

حرمت خودکشی در قرآن و سنت و راهکارهای قرآنی برای پیشگیری آن

رضاعسگری : کارشناسی ارشد، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه ارومیه
 عبدالرضاخدری خان‌آبادی: کارشناسی ارشد، گروه برنامه ریزی درسی، دانشگاه بیرجند
 سیدمهدی صالحی: استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه ارومیه

دوفصلنامه تخصصی پژوهشهای میان‌رشته ای قرآن کریم

سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۳۰- ۱۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۹/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱/۱۸

چکیده

خودکشی یکی از معضلاتی است که با تاریخ بشریت عجین شده است؛ و عوامل مختلفی در حوزه‌های مختلف در آن تأثیرگذار است. در ایران نیز به‌موازات تغییرات سریع زندگی مردم و کم‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی این پدیده روبه فزونی است؛ چراکه طبق تحقیقات صورت گرفته در سراسر جهان رابطه نزدیکی بین باور مذهبی و خودکشی وجود دارد؛ دلیل این مدعا آن است که خودکشی در کشورهای اسلامی در سطح بسیار پایینی قرار دارد. بر اساس دیدگاه اسلام حیات به عنوان امانتی از جانب خداوند در اختیار انسان قرار داده شده است و او مالکیت نسبی بر تن خویش دارد که نمی‌تواند بدون جواز از مالک مطلق آن، در آن تصرف کند و اقدام به خودکشی نماید و زمینه نابودی خود را فراهم سازد. علاوه بر این، هیچ‌کس هم نمی‌تواند کسی را حتی اگر بیماری لاعلاجی هم داشته باشد به کام مرگ فرستد. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر این است تا این مسئله را از چشم‌انداز مکتب اسلام مورد بازبینی قرار دهد و راهکارهایی که در آن برای بهبود زندگی که خود مانع خودکشی است را معرفی کند؛ بنابراین پژوهش حاضر که به صورت کتابخانه‌ای تدوین یافته نشان داد که خودکشی در قرآن و کلام معصومین علیهم‌السلام از جمله گناهان کبیره محسوب می‌شود که در نهایت عذاب ابدی را در پی دارد و همچنین می‌توان با تقویت دینی و بخصوص تبیین آیات قرآنی در این مورد و ایجاد بسترهای مختلف اقتصادی، جامعه‌شناسی در پی کاهش این عمل مذموم برآمد.

کلیدواژه‌ها: مذهب، خودکشی، اتانازی، قرآن، حدیث

۱- مقدمه

خودکشی از جمله معضلاتی است که در بیشتر دوره‌های تاریخی و در بین جوامع مختلف وجود داشته و مسئله جدیدی محسوب نمی‌شود؛ اما امروزه با گسترش روزافزون آن در بین قشر جوان و نوجوان اهتمام به آن دوچندان شده است، چنان‌که این امر دانشمندان علوم مختلف را نگران کرده است. بر اساس یک تحقیق در مورد نوجوانان و جوانان ۲۴-۱۵ ساله آمریکایی، خودکشی سومین علت مرگ به شمار می‌رود. در سال ۱۹۹۶ در این گروه سنی تعدادی که از خودکشی جان خود را از دست داده‌اند بیش از مرگ‌های ناشی از سرطان، بیماری‌های قلبی، سکته، آنفلوآنزا و بیماری‌های شدید ریه بوده است و همچنین تحقیقاتی که در ایران صورت گرفته، بیانگر این است که میانگین سن خودکشی بین ۲۵-۲۰ سال و در کل زیر ۳۰ سال است متأسفانه امروزه هرکسی با کوچکترین مشکلی در زندگی روبرو می‌شود به‌جای این که برای حل مشکل به وجود آمده تلاش کند، راه‌گریز را خودکشی می‌پندارد. این مسئله باعث شده است تا مکاتب گوناگون بشری و الهی توجهی خاص بدان مبذول نمایند. از جمله این مکاتب که به تناسب توجهی که به جایگاه حیات آدمی دارد به زمان و گونه‌مات آن نیز بسیار حساس است، مکتب اسلام است. بر اساس این مکتب انسان مالکیت نسبی بر تن خویش دارد و مالک مطلق و حقیقی آن، از آن خداوندی است که آن را خلق کرده است؛ لذا مرگ آن نیز بایستی به خواست او انجام پذیرد و خود شخص حق آن را ندارد تا خودسرانه خویشتن را به دامان مرگ اندازه‌د. کسانی که به‌درستی از آیین اسلام پیروی کنند و راهبردهایی که در آن برای زندگی ارائه شده را فراگیرند هرگز خویشتن را نمی‌بازند که بخواهند به عمل خودکشی اقدام نمایند؛ چراکه خودکشی نیز بسان قتل که گناهی بزرگ است نوعی گناه و انحراف است و عدم وجود قانون جزایی برای آن دلیل بر مجاز بودن آن نیست.

بنابراین، ممنوعیت خودکشی بر پایه مبانی عقیدتی و اخلاقی بنا شده است؛ و کسی که بر این آگاه باشد و به حاکمیت مطلق خدا بر هستی ایمان داشته باشد می‌داند که خداوند انسان را به سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته (در اینجا حاکمیت نسبی مدنظر است) و هیچ‌کس را یارای آن نیست تا این حق را از انسان سلب کند. فرد باایمان در زندگی خویش در مواجهه با مشکلات عدیده آن با باوری که به خدا دارد، هیچ‌گاه امید خود را از دست نمی‌دهد تا درصدد خودکشی برآید (شایگان، ۱۳۸۲: ۷۱). در این میان اگر کسی نتواند با مشکلات زندگی مقابله کند و دست به انتحار زند، به دلیلی که برخلاف امر الهی حق حیات را از خویشتن سلب کرده است با بی‌ایمانی از

دنیا خواهد رفت. لذا ضمانت اجرایی خطای خودکشی در مکتب اسلام، امری اخلاقی و دینی است که در معتقدان به آن درونی شده است؛ وجود چنین باورداشتی منجر به آن شده است تا در طول تاریخ آمار خودکشی در بین آنان نسبت به سایر ملل چشمگیر نباشد (اسلامی نسب، ۱۳۷۱: ۱۵۵). بدین ترتیب رابطه تنگاتنگ و نزدیکی بین مذهب و خودکشی وجود دارد و مذهب در پیشگیری از خودکشی مؤثر است. طبق آمار به دست آمده از کشورهای اسلامی خودکشی در سطح بسیار پایینی نسبت به دیگر مذاهب قرار دارد. جدول شماره (۱).

جدول شماره ۱: آمار تطبیقی خودکشی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی سال ۲۰۱۲

کشورهای غیراسلامی	کشورهای اسلامی
روسیه ۲۳/۴	بحرین ۷/۸
بلاروس ۲۲/۹	عراق ۶/۱
کره جنوبی ۲۰/۱	ایران ۳/۷
ژاپن ۱۹/۸	عمان ۳/۷
بلژیک ۱۵/۷	اردن ۰/۷
ایالات متحده ۱۰/۳	مالزی ۰/۶
فرانسه ۱۳/۶	تونس ۲

مطهری دلیل پایین بودن آمار خودکشی در کشورهای مسلمان را چنین تبیین می‌کند: «این که صاحبان ایمان، از بهترین آرامش و آسایش روانی برخوردارند از آن جهت است که جهان را حکیم، علیم و هدف‌دار می‌دانند نه بی‌هدف؛ اما اشخاص بی‌ایمان به خودکشی متوسل می‌شوند و به تعبیر خود مرگ را باشهامت در آغوش می‌کشند. در کشورهای در حال توسعه که در شرف از دست دادن ایمان‌اند، خودکشی زیادتر است. در آلمان غربی هر سال ۱۲۰۰۰ نفر به وسیله خودکشی می‌میرند و ۶۰۰۰۰ نفر خودکشی می‌کنند ولی نجات داده می‌شوند» (۱۳۷۹: ۷۵).

در کتاب‌هایی که در مورد خودکشی به رشته تحریر درآمده علل و عوامل زیادی در بروز آن ذکر شده که جنبه‌های مختلف اجتماعی، روانشناختی، اقتصادی و فرهنگی در آن تأثیرگذار است از جمله: ابتلا به بیماری‌های روانی مانند افسردگی، فقر، اعتیاد و شراب‌خواری، مرگ یا بیماری یکی از وابستگان، شکست عشقی و عاطفی، اختلافات خانوادگی، ضعف در اعتقادات. از این رو با

خودکشی، جامعه تعدادی از نیروهای کار خود، بخصوص جوانان را از دست می‌دهد و این عمل اثرات مخربی را برای جامعه در پی دارد. به دلیل این که مرگ به علت خودکشی، تنها بخشی از این مشکل جدی را تشکیل می‌دهد و آن‌ها که در نتیجه خودکشی زنده می‌مانند به عبارت دیگر خودکشی ناموفق داشته‌اند، نیازمند مراقبت‌های پزشکی هستند علاوه بر این فرد منتحر، افراد بسیاری از وابستگان خود را بر جای می‌گذارد که زندگی آن‌ها به طرز قابل ملاحظه‌ای از نظر عاطفی، اجتماعی و اقتصادی تحت تأثیر اقدام وی قرار می‌گیرد که سازمان بهداشت جهانی مخارج اقتصادی ناشی از خودآزاری و یا مرگ ناشی از خودکشی را سالانه حدود یک میلیون اعلام کرده است. اگرچه بررسی علمی تأثیر مذهب بر روی میزان خودکشی توسط دورکیم^۱ در اواخر قرن نوزدهم میلادی آغاز شده است، اما این مطالعات بیشتر بر روی مقایسه میزان خودکشی در بین فرقه‌های پروتستان و کاتولیک متمرکز گردیده بود. با توجه به تأثیر دین اسلام بر روی میزان خودکشی در جوامع اسلامی، سابقه مطالعات علمی در این زمینه طولانی نیست و به دو سه دهه اخیر بازمی‌گردد. باین وجود این مقاله بر آن است تا این مسئله را از دیدگاه اسلام مورد تبیین قرار دهد و دلیل حرمت و ممنوعیت آن و راه‌های پیشگیری از این معضل را بررسی نماید.

۱-۱- اهداف و روش پژوهش

این پژوهش در پی رسیدن به اهداف زیر است:

- الف- مشخص کردن و تفسیر آیات و روایات مربوط به خودکشی؛
 - ب- بررسی علل و عوامل خودکشی؛
 - ج- ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از خودکشی در قرآن.
- در این پژوهش بیشتر از منابع کتابخانه‌ای و همچنین از نظرات علما و فقها، حقوق دانان، صاحب‌نظران، سایت‌ها، مقالات و کتاب‌های معتبر تفسیر و حدیث به ترتیب مراحل زیر استفاده شده است:
- ۱- بررسی منابع؛ ۲- مشخص کردن موارد مربوط به موضوع؛ ۳- فیش برداری.

۱-۲- پیشینه خودکشی

خودکشی معضلی است که ملت‌های گذشته نیز با آن مواجه بوده‌اند. روث‌بندیکت نشان داده است که خودکشی برای قبیله ابتدایی زونی شناخته شده نیست ولی در قبیله ابتدایی دیگری به نام کواکیوتل امری عادی تلقی می‌شود که در نتیجه بعضی با مفهوم آن آشنا و برخی آن را نمی‌شناختند (تقوی، ۱۳۸۶: ۱۷۱). از نظر تاریخی در روزگاران پیشین بیشتر ملل نه تنها خودکشی را قابل مجازات نمی‌دانستند، بلکه از آن به‌عنوان نوعی عمل افتخارآمیز یاد می‌کردند. خودکشی‌های معروف و مشهوری مانند خودکشی کلئوپاترا ملکه مصر که به طرز جالبی ماری را به‌گزیدن خود واداشت (صالح‌ولیدی، ۱۳۷۴: ۸۰).

در آغاز قرن نوزدهم کشیشی بنام ساموئل میلر از قول پلوتارک مورخ یونانی نقل می‌کند که در دوره‌ای از عهد باستان، خودکشی در میان زنان جوان بندری باستانی در ساحل دریای اژه رواج یافت. مسئولان فرمانی صادر کردند که طبق آن بدن زنی که خود را بر دار زند با همان طناب جسد لخت وی را در کوچه و بازار بگردانند که در نتیجه این فرمان خودکشی آن‌ها به‌طور چشمگیری پایین آمد (مارکس، ۱۳۸۷: ۷). طرفداران فیثاغورث، خودکشی را عملی ناموجه می‌دانستند اما افلاطون خودکشی را در حالت شرم، ناراحتی بسیار شدید، فقر، فلاکت بی‌حد و اجبار جایز می‌دانست. او در جایی دیگر می‌نویسد که اگر شخصی از بیماری دردناک و مزمن در رنج باشد یا تحت سیطره انگیزه‌های جنایت‌کارانه غیرقابل کنترل قرار داشته باشد لازم است به او اجازه داده شود که به زندگی خود پایان دهد یا سبب شود تا چنین کاری انجام شود. ارسطو خودکشی را از هر جهت ناموجه می‌داند، زیرا از نظر او خودکشی عملی است از روی ترس و خلاف عدالت (محقق‌داماد، ۱۳۸۶: ۱۸۳). در رم قدیم فقط خودکشی شخص محکوم به مرگ را مجازات کرده و ماترک او به نفع دولت ضبط می‌شد. ولی با ظهور دین مسیح، خودکشی ممنوع و مخالف مذهب معرفی گردید و مرتکب آن به‌عنوان مجازات از تشریفات مذهبی مانند تشییع و دفن جنازه محروم می‌شد و همچنین تحت تأثیر مذهب قبل از انقلاب فرانسه نه تنها دارایی شخص متحر به نفع دولت ضبط می‌شد بلکه جسد او را برای عبرت مردم و رسوایی، روی سبد بزرگی می‌گذاشتند و آن را به آسیبی می‌بستند تا او را به دنبال خود بکشند و سپس او را از پا می‌آویختند و از دفن محروم می‌ساختند (پاد، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۹).

در مصر باستان مرگ را رهایی از قید و بندها و مشکلات می‌دانستند حتی گاهی به صورت انجمن‌هایی گرد هم می‌آمدند و در جستجوی مطلوب‌ترین راه برای خودکشی بودند. در ژاپن بعضی

از مؤمنان به هنگام نیایش برای پیوستن به خدایان از جان خود دریغ نمی‌کردند، اصل شرافت، مردان را به دریدن شکم خود وامی‌داشت که در قرون اخیر نیز ادامه یافته و هاراگیری‌های ژاپنی با نوعی خودکشی تشریفاتی پس از شکست نظامی برای اجتناب از اسارت و خفت و شکنجه خود را می‌کشتند. همچنین گروهی از سامورایی‌ها پس از مرگ مخدوم خویش دست به خودکشی می‌زدند تا در دنیایی دیگر کمر به خدمت او ببندند. خودکشی در فواصل قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی افزایش چشمگیری یافت. فرقه کاتارها در فرانسه بعضی از اعضای خود را به خودکشی برمی‌انگیختند و خودکشی‌کننده را انسان کامل می‌نامیدند و نقش صورت آن‌ها را با حکاکی روی چوب در میادین نصب می‌کردند (آذر، نوحی و شفیع‌کنندجانی، ۱۳۸۹: ۲۰-۱۶).

سنت آگوستین عقیده داشت که خودکشی دور شدن از فرمان الهی است، سنت آکوئیناس بر این اعتقاد بود که خودکشی مغایر با قانون طبیعی حفظ نفس بوده، به جامعه آسیب زده و حق قضاوت را از خداوند می‌گیرد. هیوم برخلاف ارسطو معتقد بود که خودکشی عملی قهرمانانه است و برخلاف آکوئیناس اعتقاد داشت که خودکشی مخالف با قانون طبیعی نیست همچنین برعکس آگوستین اظهار داشت که خودکشی مغایر با فرمان الهی و نهی از کشتن نیست زیرا آن حکم در رابطه با دیگران است که ما نسبت به جان آن‌ها هیچ حق و اختیاری نداریم، اما کانت در مخالفت با هیوم مدعی است ناموجهی خودکشی را می‌توان از امر مطلق به دست آورد. کانت با استناد به قاعده «با خود یا دیگری همواره چنان رفتار کن که گویی با تمامی بشریت روبرو هستی، هرگز نه خود و نه دیگری را وسیله تلقی منما، بلکه در همان زمان فی‌نفسه، هر یک را غایت نیز به حساب آر» می‌کوشد تا نشان دهد فرد نباید دست به انجام کارهایی بزند که مانع توانایی او در تنظیم و پیگیری اهدافی که برای خود برگزیده است، شود یا آن‌ها را به تعویق اندازد از این رو خودکشی، استفاده از مواد مخدر و مشروبات الکلی غیراخلاقی تلقی می‌گردد. نیچه خودکشی را همچون یک حق و امتیاز برای انسان تلقی می‌کرد (محقق‌داماد، ۱۳۸۹: ۱۸۵-۱۸۳). در مورد پیشینه پژوهشی نیز می‌توان تنها به تحقیقات مقطعی و محدودی در مورد ویژگی‌های خودکشی‌کنندگان در بعضی استان‌ها انجام شده اشاره نمود:

در تحقیقی مشخص گردیده که بیشترین تعداد خودکشی در شهرستان نقده متعلق به زنان بین ۳۰ تا ۳۹ سال است که اکثر آنان بی‌سواد و بیکار بودند (اختری، ۱۳۷۶).

تحقیقات انجام شده در استان گیلان، از افزایش ۷۰ درصدی خودکشی در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۰ خبر می‌دهد. از مجموع ۹۴ مورد خودکشی در این استان در نیمه اول سال ۱۳۸۱، حدود ۲۶ نفر

زن و ۶۸ نفر مرد بوده‌اند. ۳۷ درصد این افراد در گروه سنی بین ۲۰ تا ۲۹ سال، ۱۹ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال و ۱۶ درصد کمتر از ۲۰ سال داشته‌اند. ۷۰ درصد افراد خودکشی کننده تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و ۲۶ درصد کاملاً بی‌سواد بوده‌اند. هیچ کدام از این افراد مشاغل دولتی یا ثابت نداشته‌اند و ۵۴ نفر از آنان کاملاً بیکار بوده‌اند (شایگان، ۱۳۸۲: ص ۷۹).

از نظر پایبندی به دین، ۷۸/۵ درصد از کارشناسان معتقدند که مذهب تا حدود زیادی از بروز خودکشی مؤثر است. ۷/۵ درصد معتقدند که مذهب تا حد کمی در پیشگیری از خودکشی مؤثر است و ۵ درصد از پاسخ‌گویان نیز نقش مذهب را تا حدی در پیشگیری از خودکشی مؤثر دانسته‌اند (رحمتی، ۱۳۸۱).

۲- تعریف خودکشی

خودکشی در لغت به معنای خود را به وسیله‌ای کشتن و به زندگی خود پایان دادن، انتحار، کار زیاد کردن و کوشش بسیار آمده است (دهخدا، ۱۳۴۷: ۸۴۸). ارسطو نیز خودکشی را عملی می‌داند که شخصی برای معدوم کردن خویش انجام می‌دهد و به منظور فداکاری نیست (اسلامی‌نسب، ۱۳۷۱: ۷۴). خودکشی از ترکیب دو کلمه sui به معنی خود و cide به معنی کشتن به وجود آمده است. اولین کسی که به صورت عملی این اصطلاح را به کار برد، دفونتن^۱ فرانسوی بود. بعد از وی دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی در سال ۱۸۹۷ به آن صبغه علمی بخشید و کتابی با همین عنوان به رشته تحریر درآورد. او خودکشی را چنین تعریف می‌کند:

«هر نوع مرگی که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم رفتار منفی یا مثبت خود قربانی شده است که می‌دانسته که باید به چنین نتیجه‌ای برسد. کردار مثبت مثل این که انسان یک گلوله در شقیقه خود خالی کند و کردار منفی مانند این که انسان خانه‌ای را که در آتش می‌سوزد ترک نکند یا آن‌قدر اعتصاب غذای خود را طولانی کند که بمیرد» (دورکیم، ۱۳۷۸: ۶). در حوزه روان‌شناسی نیز خودکشی چنین تعریف شده است: «خودکشی یعنی نابود کردن آگاهانه خویش برای رها شدن از وضعیتی غیرقابل تحمل». برحسب این برداشت خودکشی‌هایی که با انگیزه ملاحظاتی مذهبی و اخلاقی، مانند اجتناب از عملی مغایر با شرف صورت می‌گیرد، نوعی فداکاری تلقی می‌شود با خودکشی‌هایی که

ناشی از عوامل دیگری مانند احساس پوچی در زندگی است متفاوت می‌دانند (فولادی، ۱۳۸۱: ۱۶). تفکیک گونه‌های مختلف خودکشی در این تعریف نکته‌ای قابل تأمل است؛ چراکه هستند افرادی که خویشان را به کشتن می‌دهند تا دیگران در آسایش باشند که عمل اینان هیچ قابل مقایسه با کسانی نیست که فقط برای مشکلات ساده و پایان دادن به بحران‌های وجودی خویش اقدام به خودکشی می‌کنند. تعریفی که اشنایدمن^۱ از خودکشی ارائه می‌دهد کاملاً این نکته را تبیین می‌سازد وی در تعریف این پدیده می‌نویسد:

«عمل آگاهانه نابودسازی خود که در بهترین مفهوم می‌توان آن را یک ناراحتی چندبعدی در انسان نیازمندی دانست که برای حل مسئله خود، این عمل، بهترین راه حل تصور می‌شود. خودکشی یک عمل اتفاقی نیست، بلکه راهی برای رهایی از یک مسئله یا بحران است که بدون استثناء به شدت شخص را عذاب می‌دهد» (کرمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۰۶). کران^۲ اصطلاح خودکشی را برای اهداف زیر تعبیر می‌کند:

- ۱- نوعی درخواست و تقاضای کمک و حمایت؛
- ۲- اعلام یک بلای ناگهانی و حادثه مصیبت‌بار و فاجعه آمیز؛
- ۳- تهدید و اخطار به شخص ثالث؛
- ۴- فرار و گریز جهت اجتناب از موقعیت دشوار و غیر قابل تحمل؛ بدین صورت که فرد خود را موجب شکست خویشان می‌داند، لذا گزینه تهاجم را علیه خودش منحرف می‌سازد (اسلامی‌نسب، ۱۳۷۱: ۷۷).

بنابراین از آن‌جا که اصطلاح خودکشی هم برای اعمال مرگ آور و هم برای اعمال غیر مرگ آور موجب سردرگمی می‌شود؛ می‌توان پدیده خودکشی را به دو دسته عمده تقسیم کرد: ۱- عملی عمدی و مرگ آور؛^۳ ۲- عملی آسیب‌رسان به خود به صورت غیر کشنده‌ای با انگیزه‌های غیر مرگ آور^۴ مثلاً ژست خودکشی که گهگاه نیز به خودکشی منتهی می‌شود. در گذشته اقدام به خودکشی با درجه‌ای خفیف‌تر در ردیف خودکشی قرار می‌گرفت، ولی امروزه پژوهشگران میان خودکشی و

1. Eshnaidman
2. Kran
3. Suicide
4. Parasuicide

اقدام به آن تفکیک قائل می‌شوند. مسئله دیگری که در این جا می‌توان از آن یاد کرد پدیده اتانازی است. واژه اتانازی که ریشه آن از اصطلاح یونانی «eu» به معنای خوب و راحت و thanatous به معنای مرگ گرفته شده است از لحاظ تحت‌اللفظی به معنای مرگ خوب یا مرگ راحت است از نظر لغوی این واژه بیانگر عملی است که در آن مرگ بیمار به شیوه‌ای صورت می‌گیرد که کمترین میزان رنج و عذاب را برایش به همراه داشته باشد در نتیجه پایان دادن به زندگی فردی به درخواست خودش و به دست دیگری که با نیت رهایی او از درد و رنج طاقت‌فرسا یا یک بیماری لاعلاج صورت می‌گیرد (اسلامی تبار و الهی منش، ۱۳۸۶).

علاوه بر این، اتانازی یکی از موضوعات مستحدثه علم پزشکی است که موافقان قانونی کردن آن اغلب پزشکان می‌باشند مذاهب مختلف و به خصوص دین اسلام از مخالفان سرسخت اتانازی و هر نوع کمک در خودکشی بیمار یا تسریع در مرگ بیمار می‌باشند آن‌ها بر این اعتقادند که مرگ و زندگی در دست خداست و برای کسی این اجازه صادر نشده که از سر رحم و عطوفت برای رها شدن از درد و رنج و سختی ناشی از بیماری لاعلاج خودکشی کند یا دیگری او را به کام مرگ بفرستد به دلیل این که این نوعی قتل نفس است بنابراین اصل کرامت و ارزش‌های انسانی حکم می‌کند، بشر از این نعمت در هر شرایطی محافظت کند و با این کار راه سعادت ابدی را پیماید بنابراین دخالت در کار خداوند جرمی نابخشودنی است که مجازات آتش جهنم را به دنبال دارد.

در نتیجه انواع اتانازی و تسریع در مرگ کسی به وسیله پزشک یا هر شخص دیگر از لحاظ مذهب و حقوق ایران ممنوع است و مرتکب آن قاتل محسوب می‌شود هر چند اتانازی غیرفعال داوطلبانه پزشک را می‌توان ضامن ندانست چون بیمار از همان ابتدا از معالجه و درمان خویش توسط پزشک سرباز می‌زند. امروزه فقط اتانازی در هلند و ایالت اورگون آمریکا قانونی شده و جرمی ندارد.

۳- آمارهای خودکشی

در مقدمه بحث آماری در مورد مقایسه وضعیت خودکشی در جهان اسلام و کشورهای غربی ارائه گردید به دلیل اهمیت مسئله و تحدید ثغور در این قسمت فقط آمار مربوط به ایران ارائه خواهد

شد ولی قبل از آن که آمار و ارقام خودکشی را مورد بررسی قرار دهیم لازم است در مورد اعتبار این آمارها اندکی تأمل کرد چراکه:

۱- پزشکی قانونی تعریف رسمی از خودکشی ندارد و احتمال دارد این تعریف با تعاریف علمی مغایرت داشته باشد.

۲- در جوامعی که خودکشی از نظر اجتماعی یا مذهبی نکوهیده است، احتمالاً در آمارهای رسمی، تعداد خودکشی کمتر از معمول برآورد می‌شود.

۴- حتی اگر هیچ‌کس علل مرگ را پنهان نکند، مشکل می‌توان خودکشی را از مرگ تصادفی یا قتل متمایز نمود. از این رو ممکن است برخی خودکشی‌ها در آمار رسمی گزارش نشوند و از سوی دیگر، برخی موارد به‌غلط خودکشی گزارش شوند. در حال آمارهای رسمی خودکشی به دلایل فوق چندان دارای اعتبار نیست، ولی به سبب فقدان اطلاعات مجبور به استفاده از آن هستیم (شایگان، ۱۳۸۲، ص ۷۳). برخلاف سایر کشورها آمار خودکشی مردان در ایران بیش از زنان است و به‌طور میانگین، سالیانه ۳۲۱۶ نفر که از این مجموع ۱۷۳۳ نفر مرد و ۱۴۸۳ نفر زن هستند، دست به خودکشی می‌زنند. جدول شماره ۱ نمایانگر این آمار از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ است. طبق آمار پزشکی قانونی، در سال ۱۳۸۰، از ۲۵۸۲ مورد خودکشی، ۱۶۸۵ نفر مرد و ۸۹۷ نفر زن بوده‌اند. آمار معاونت اجتماعی وزارت کشور نیز نشان می‌دهد که در همین سال از صد هزار نفر، ۶/۳۶ نفر خودکشی کرده‌اند که در مجموع ۷/۶۵ نفر در هر صد هزار نفر، مرد و ۵/۰۴ نفر زن بوده‌اند. این رقم در سال ۱۳۷۹ رقمی معادل ۵/۰۳ خودکشی در هر صد هزار نفر است که ۵/۵۷ مرد و ۴/۴۷ زن بوده‌اند. خلاصه همان‌طور که آمارهای مختلف نشان می‌دهند میزان خودکشی در مردان بیش از زنان است؛ (آذر و همکاران، ۱۳۸۹) آماری ارائه داده‌اند و آمار خودکشی را بر اساس سن و جنس تفکیک کرده‌اند. جدول شماره (۲).

۵- جدول شماره ۲: آمار اقدام به خودکشی و تعداد فوت‌شدگان به تفکیک سال و جنس

سال	اقدام به خودکشی		فوت‌شدگان	
	مرد	زن	مرد	زن
۱۳۷۵	۲۸۱۸	۱۲۷۹	۱۰۸۵	۶۲۰
۱۳۷۶	۲۸۶۷	۱۲۶۷	۹۹۸	۵۹۷
۱۳۷۷	۲۷۹۷	۱۲۶۵	۱۱۵۱	۵۹۰
۱۳۷۸	۲۷۰۸	۱۱۶۷	۱۱۶۳	۶۲۹
۱۳۷۹	۲۷۴۹	۱۱۵۲	۱۲۰۳	۵۶۸
جمع	۱۳۹۳۹	۶۱۳۰	۵۶۰۰	۳۰۰۴

اما طبق آمار جدول شماره ۳ از گروه صدنفری مورد مطالعه ۴۴ نفر مرد و ۵۶ نفر زن اقدام به خودکشی کرده‌اند.

جدول شماره ۳: آمار خودکشی برحسب جنس

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۴۴	٪۴۴
زن	۵۶	٪۵۶

همان‌طور که گفته شد و از این نمایه استنباط می‌شود در سال ۱۳۸۹ درصد خودکشی در میان زنان بیش از مردان بوده است؛ که نسبت با آمار مشابه تا سال ۱۳۷۹ رشد داشته است. شایگان (۱۳۸۲) این تفاوت را در برخی از مناطق صادق می‌داند و معتقد است که همچنان آمار خودکشی مردان بر زنان فزونی دارد و می‌نویسد زنان، به‌ویژه دختران جوان، از خودکشی به‌عنوان ابزاری برای جلب توجه و بیان مشکلات خود استفاده می‌کنند؛ لذا اغلب از روش‌هایی استفاده می‌کنند که منجر به مرگ نشود (ص ۷۹). متغیرهای دیگری مانند وضعیت تأهل و تحصیل نیز در خودکشی تأثیر دارند. بدین‌صورت که آیا افراد مجرد بیشتر خودکشی می‌کنند یا متأهل؟ یا این که افرادی که از لحاظ تحصیلی در سطح بالا هستند بیشتر اقدام به خودکشی می‌کنند یا افراد بی‌سواد؟ (آذر و همکاران، ۱۳۸۹) در مورد تأثیر این دو متغیر به ترتیب به نتایج زیر رسیده‌اند:

از گروه ۱۰۰ مورد مطالعه، ۳۶ نفر متأهل و ۵۷ نفر مجرد، ۷ نفر مطلقه بوده‌اند. مجردین در این بین بیشترین آمار را به خود اختصاص داده‌اند. (جدول ۴)

خودکشی در ارتباط با میزان تحصیلات به ترتیب؛ دیپلم ۳۰ نفر؛ ابتدایی ۲۳ نفر؛ راهنمایی ۲۰ نفر؛ دبیرستان ۱۶ نفر؛ لیسانس ۸ نفر؛ بالاتر از لیسانس ۳ نفر است. (جدول ۵)

جدول شماره ۴: وضعیت تأهل و خودکشی

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
متأهل	۳۶	۳۶٪
مجرد	۵۷	۵۷٪
مطلقه	۷	۷٪

همان‌طور که نمایه فوق نشان می‌دهد خودکشی در افراد مجرد بیش از متأهلین است. این نتیجه نظریه دورکیم را که معتقد است افراد مجرد، به دلیل وابستگی کمتر، بیشتر خودکشی می‌کنند را نیز تأیید می‌نماید، به‌علاوه، با آمارهای جهانی نیز همخوانی دارد. این اصل در ایران چندان صادق نیست. در ایلام، زنان جوان و متأهل بیشتر از دختران مجرد خودکشی می‌کنند. نرخ خودکشی مردانی که متارکه کرده‌اند، بیشتر از زنان مطلقه است. تحقیقات تهران نشان داده است که افراد مجرد بیشتر از متأهلان خودکشی می‌نمایند. در مجموع زنان متأهل بیشتر از افراد مجرد اقدام به خودکشی می‌کنند. ولی در مورد خودکشی مردان عکس این قضیه صادق است. مردان مجرد بیشتر از متأهلان خودکشی می‌کنند (شایگان، ۱۳۸۲: ۷۹).

نتایج ارائه‌شده در جدول شماره ۵) با نتایج تحقیقات رحمتی (۱۳۸۱) که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت، مطابقت دارد؛ چراکه یافته‌های وی نیز نشان می‌دهد که افراد خودکشی کرده از نظر تحصیلات ۱۲/۴ درصد بی‌سواد، ۵۳/۴ درصد زیر دیپلم، ۲۴ درصد دیپلم و ۱۰/۲ درصد تحصیلات عالی داشته‌اند. هرچند که درصد میزان خودکشی متفاوت است ولی یافته‌های هر دو مطالعه مبین آن است که هر چه تحصیلات بالاتر باشد میزان خودکشی کمتر می‌شود.

جدول شماره ۵: وضعیت تحصیلی و خودکشی

وضعیت تحصیلی	فراوانی	درصد
بی سواد	۰	٪۰
ابتدایی	۲۳	٪۲۳
راهنمایی	۲۰	٪۲۰
دبیرستان	۱۶	٪۱۶
دیپلم	۳۰	٪۳۰
لیسانس	۸	٪۸
بالا تر	۳	٪۳

از نظر میزان پایندی به دین، ۷۸/۵ درصد کارشناسان معتقدند که مذهب تا حدود زیادی در پیشگیری از بروز خودکشی مؤثر است. ۷/۵ درصد معتقدند که مذهب تا حد کمی در پیشگیری از خودکشی مؤثر است و ۵ درصد از پاسخگویان نیز نقش مذهب را تا حدی در پیشگیری از خودکشی مؤثر دانسته‌اند.

علاوه بر این، بررسی میزان خودکشی در مذاهب رایج، تفاوت آشکاری را بین کشورهای اسلامی و مذاهب توحیدی غیراسلامی از یک طرف و کشورهای مذهبی و لائیک از طرف دیگر، نمایان می‌سازد. در اغلب کشورهای اسلامی مانند کویت، میزان خودکشی نزدیک به ۰/۱؛ در ایران ۴/۴ در یک صد هزار نفر است. در جوامع هندو مانند هند، این میزان ۹/۶ در یک صد هزار؛ در کشورهای کاتولیک، مانند ایتالیا ۱۱/۲ در یک صد هزار نفر، در کشورهای بودائی، مانند ژاپن میزان خودکشی از ۱۷/۹ در یک صد هزار نفر بالاتر و در کشورهای لائیک، مانند چین، میزان خودکشی ۲۵/۶ در یک صد هزار نفر است. در ضمن طبق بسیاری از پژوهش‌های انجام شده، افراد با عقاید و التزام مذهبی و معنوی، شیوع کمتر و علائم سبک‌تر، پیش‌آگهی بهتری در مورد افسردگی نشان داده‌اند؛ زیرا که به نظر می‌رسد عقاید معنوی و باورهای مذهبی در هضم و جذب و برخورد‌های سازشی و صبر در مقابل حوادث ناخوشایند و داشتن نگرش مثبت توأم با عزت نفس و امید به خود و آینده زندگی و پرهیز از نومیدی، نقش بااهمیتی در کم‌رنگ نمودن عوامل روانی و اجتماعی افسردگی داشته باشد (حقانی‌پور و پیری، ۱۳۸۹: ۵۴۶). مکمل این مبحث را آمار خودکشی به تفکیک شهرها قرار می‌دهیم تا موضوع بیشتر بومی شود. همان‌طور که گفته شد خودکشی در اسلام ممنوع است و باعث می‌شود که شخص

خودکشی کرده بی‌ایمان از دنیا برود، پس با این تفاسیر آمار خودکشی در بین مردم ایران باید بسیار پایین نسبت به ملل دیگر باشد هرچند آمارها پایین است اما باز نرخ آن بسیار تکان‌دهنده است بر طبق یک آمار در ایران به‌طور متوسط سالانه ۳۲۱۶ نفر خودکشی می‌کنند که به‌طور تقریبی در هر سال، از هر صد هزار نفر ۶ نفر خودکشی می‌کنند (شایگان، ۱۳۸۲: ۷۲). این در حالی است که نرخ خودکشی در استان ایلام ۳۷ مورد در هر صد هزار نفر است درحالی‌که بالاترین نرخ خودکشی در جهان در کشورهای امریکای لاتین به میزان ۲۵ در صد هزار نفر می‌باشد.

علاوه‌براین، در سال گذشته استان‌های تهران با ۴۰۹، کرمانشاه با ۲۷۱ و گیلان با ۲۳۱ مورد فوتی بیشترین و استان‌های خراسان جنوبی با ۱۸، کهگیلویه و بویراحمد با ۲۴ و خراسان شمالی با ۲۵ فوتی کمترین موارد مرگ ناشی از خودکشی را به خود اختصاص داده‌اند که از این میان در سال گذشته ۴۹٫۹ درصد از موارد خودکشی به شیوه حلق آویز بوده است. استان‌های ایلام، کرمانشاه، لرستان و همدان بالاترین نرخ خودکشی را در کشور دارند و خودکشی در مردان بسیار بالاتر از زنان است و ۷۰٫۵٪ خودکشی‌ها در مردان است. بر طبق گزارشی میزان خودکشی در میان دو جنس تفاوت فاحشی را نشان می‌دهد و طبق پاره‌ای از مطالعات انجام‌شده در مقابل هر چهار و یا پنج پسر تنها یک دختر در اثر خودکشی جان خود را از دست می‌دهد (احدی و جمهری، ۱۳۷۸: ۱۷۲).

۶- خودکشی در قرآن

در قرآن حکیم آیاتی وجود دارد که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در مورد خودکشی به بحث پرداخته‌اند که ما در این قسمت پنج مورد از آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

آیه اول در سوره نساء چنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا: یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آن‌که داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما (انجام گرفته) باشد و خودتان را مکشید، زیرا خدا همواره با شما مهربان است؛ و هر کس از روی تجاوز و ستم چنین کند، به‌زودی وی را در آتشی درآوریم و این کار بر خدا آسان است» (آیات ۲۹-۳۰).

در تفسیر نمونه در ذیل این آیه چنین آمده است: این آیه مردم را از قتل نفس بازمی‌دارد و با قرینه جمله «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» نهی از خودکشی و انتحار است یعنی این که نه تنها خداوند از قتل

دیگری بازمی‌دارد همچنین برای شخص نیز این اجازه صادر نشده است که خودکشی کند و هرکس در این مورد عصیان کند علاوه بر اینکه در آتش این جهان می‌سوزد در آتش غضب خداوند نیز خواهد سوخت (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۳۵۴). در تفسیر المیزان «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» جمله‌ای مطلق دانسته شده است که هم شامل خودکشی و هم شامل دیگرکشی می‌شود و مراد از انفس، نفوس همه افراد جامعه دینی است که مانند یک نفس محسوب می‌شوند و جان هر یک از آنان جان دیگری است بنابراین در چنین جامعه‌ای فرقی میان جان خود و دیگران نیست و اگر فردی خودش و یا دیگری را بکشد خودش را کشته است. در این آیه شریفه در کلمه ذلک نکته‌ای وجود دارد، اول به عموم خطاب کرده بود «که ای مؤمنین چنین و چنان مکنید که خدای شما رحیم است» و در آیه بعدی با کلمه ذلک اشاره به رسول‌الله نموده، می‌فرماید «با تو هستم هرکس که چنین و چنان کند او را در آتش می‌سوزانم» این نکته به این اشاره دارد که وقتی معلوم شد، همه مؤمنین یک نفس و یک جان هستند و این یک جان نباید درصدد هلاکت خود برآید پس اگر کسی چنین کاری بکند معلوم می‌شود از مؤمنین نیست و نباید مورد خطاب قرار گیرد به همین جهت خدای تعالی در میان مجازات مؤمنین روی از چنین کسانی برگردانید و خطاب را متوجه پیامبر خود کرد تا با او درباره مؤمنین و غیر مؤمنین سخن گوید و نیز به همین جهت بنای کلام را بر عموم گذاشت، او فرمود «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَ ظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا» و نفرمود «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ عُدْوَانًا وَ ظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۵۰۵).

صاحب تفسیر مجمع البیان سه دیدگاه درباره «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» بیان می‌دارد: ۱- به باور گروهی کشتن یکدیگر است؛ ۲- برخی دیگر آیه شریفه را درباره هشدار به خودکشی و انتحار می‌دانند؛ ۳- عده‌ای می‌گویند با انجام گناهان و ایجاد دشمنی با حق کشی و حرام‌خواری، باعث نابودی خود نگشته و خود را درخور کیفر نکنید (طبرسی، ۱۳۵۱: ۱۱۴).

آیه دوم: دومین آیه‌ای که بر حرمت خودکشی دلالت دارد آیه ۳۳ سوره اسراء است آن‌جا که می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید».

احترام خون انسان‌ها واجب است و حرمت قتل نفس مسئله‌ای است که اسلام بر آن تأکید داشته است و کسی که به ناحق فردی را به قتل رساند عقوبت الهی در انتظار اوست و قتل یک انسان همانند

قتل همه انسان‌ها به حساب آمده است چنان‌که در این آیه می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا: هر کس کسی را جز به قصاص قتل، یا (به کیفر) فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد» (مائده/۳۲). در سوره فرقان آیات ۶۸ و ۶۹ با همین مضمون چنین می‌فرماید: «وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا: و کسانی‌اند که با خدا معبودی دیگر نمی‌خوانند و کسی را که خدا (خونش را) حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هر کس این‌ها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد. برای او در روز قیامت عذاب دوچندان می‌شود و پیوسته در آن خوار می‌ماند».

آیه سوم: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت می‌کنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد» (بقره/۱۹۵). طبرسی در تفسیر «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» دیدگاه‌های زیر را بیان کرده است:

- ۱- جمعی از مفسران از جمله ابن عباس می‌گویند، منظور این است که با ترک انفاق و بخشش در راه درست، خود را در بدبختی نیندازید؛ چرا که در این صورت دشمنان بر شما چیره می‌شوند و شما را از پای درمی‌آورند.
- ۲- برخی بر این اعتقادند که بر اثر ناامیدی و یأس از رحمت خداوند و آمرزش او گناهان بیشتری را مرتکب نشوید.
- ۳- بعضی می‌گویند که بدون داشتن وسایل و امکانات برای جنگ و جهاد با دشمن درگیر نشوید که خود را هلاک می‌سازید.
- ۴- برخی می‌گویند در انفاق زیاده‌روی نکنید و خود را به فقر و بدبختی نیندازید (طبرسی، ۱۳۵۱: ۲۳۸)؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که خداوند انسان را از تهلکه و خود را در معرض نابودی قرار دادن منع کرده و این خود را به خطر انداختن همان خودکشی است و در اسلام از آن نهی شده است.

آیه چهارم: «وَ أَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَ أَحْيَا: وَ هُم أَوْسَتْ كَه مِي مِرَانْد وَ زَنْدَه مِي گِرْدَانْد» (نجم/۴۴). این آیه در حقیقت بیان جامع و توضیح جالبی است برای مسئله انتهای همه امور به ربوبیت و تدبیر پروردگار، زیرا می گوید: مرگ و حیات شما به دست او است.

آیه پنجم: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ: هَمَان كَه مِرْگ وَ زَنْدَگِي رَا پَدِيد آوَرْد تَا شَمَا رَا بِيَازَمَايِد كَه كَدَامَتَان نِيكُو كَارْتَرِيد وَ اَوْسَتْ اِرْجَمَنْد آَمْرَزَنْدَه» (ملک/۲).

۷- خودکشی در سنت

سنت عبارت است از قول یا فعل یا تقریر معصوم علیه السلام، منظور از قول و فعل، گفتار و کردار و مراد از تقریر، سکوت و رفتار تأییدکننده از طرف معصوم است نسبت به فعل یا عقیده‌ای که در حضور ایشان انجام یا طرح شده و آن را رد نکرده باشند (محمدی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۱). در ادامه مسئله خودکشی را از دیدگاه سنت مورد بررسی قرار می دهیم.

حدیث اول - امام باقر (ع) می فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُبْتَلَى بِكُلِّ بَلِيَّةٍ وَ يَمُوتُ بِكُلِّ مَيْتَةٍ إِلَّا أَنَّهُ لَا يُقْتَلُ نَفْسُهُ: هَمَانَا مَوْْمَن بَه هَر بَلَايِي مَبْتَلَا مِي شُود وَ بَه هَر نَوْع مِرْگِي مِي مِيرِد وَلِي خُود كَشِي نَمِي كَنْد» (حرعاملی، ۱۴۱۲:۱۴).

حدیث دوم - پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «الَّذِي يَخْنُقُ نَفْسَهُ يَخْنُقُهَا فِي النَّارِ، وَ الَّذِي يَطْعَنُهَا فِي النَّارِ: كَسِي كَه خُود رَا خُفَه مِي كَنْد خُويشْتَن رَا دَر آتَش خُفَه كَرْدَه اسْت وَ كَسِي كَه بَه خُودش نيزه زَنْد دَر آتَش باشد» (متقی هندی، ۱۴۰۵).

حدیث سوم - امام صادق (ع) فرموده است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا: كَسِي كَه عَمَلًا خُود كَشِي كَنْد، بَرَاي هَميشه دَر آتَش جَهَنم خُواهد بُوَد» (حرعاملی، ۱۴۱۲:۱۳).

حدیث چهارم - پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا عُدْبَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: هَر كَسِي بَه وَسيله چيزِي از دُنيا خُود كَشِي كَنْد دَر مَحشَر بَه وَسيله هَمَان چيز عَذَاب خُواهد شَد» (دارمی، بی تا: ۱۹۲).

حدیث پنجم - پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «كَانَ فِيمَنْ قَبْلَكُمْ رَجُلٌ بِهِ جِرْحٌ فَجَزَعٌ فَأَخَذَ سَكِينًا فَخَزَّ بِهَا يَدَهُ فَمَا رَقَا الدَّمُ حَتَّى مَاتَ، فَقَالَ اللَّهُ: بَادِرْنِي عَبْدِي بِنَفْسِهِ؟...! قَدْ حَرَمْتُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ: دَر

زمان‌های پیش از شما، مردی جراحی برداشت و از شدت درد و بی‌تابی، چاقویی برداشت و با آن دستش را قطع کرد و از شدت خونریزی مرد پس خداوند فرمود بنده‌ام، در گرفتن جان خود بر من پیش‌دستی کرد بهشت را بر او حرام کردم» (همان: ۲۵۷).

روایت ششم - عیاشی از اسباط بن سالم روایت می‌کند که گفت: نزد امام صادق (ع) بودم که مردی وارد شد و عرضه داشت، از معنای کلام خدای تعالی که می‌فرماید «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» ایشان فرمودند: منظور این است که اگر یک فرد مسلمان به تنهایی بر انبوه مشرکین حمله ببرد و به سرزمین آن‌ها درآید و کشته شود، خودکشی کرده است (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۵۰۸).

روایت هفتم - ابی سعید خدری می‌گوید: ما در جنگ‌ها به صورت گروه‌های نه‌نفری و ده‌نفری تقسیم می‌شدیم و کارها را میان خود تقسیم می‌کردیم بعضی برای دوستانشان کارهایی از قبیل آب دادن به مرکب‌ها و تهیه غذا را انجام می‌دادند و برخی نزد پیامبر (ص) می‌رفتند. در یکی از سفرها مردی بود که کار سه نفر را انجام می‌داد، هم خیاطی می‌کرد، هم مرکب‌ها را آب می‌داد و هم غذا تهیه می‌کرد درباره او نزد پیامبر سخن گفته شد، پیامبر فرمودند: او مردی از اهل آتش است، پس از آن ما با دشمن روبرو شدیم و به جنگ پرداختیم آن مرد رفت و تیری را برداشت و خودش را با آن کشت. پیامبر فرمود: شهادت می‌دهم من فرستاده خدا و بنده او هستم (نوری، ۱۴۰۷: ۲۱۶).

روایت هشتم - نزد رسول خدا (ص) از یکی از یارانش به اسم قزمان حرف به میان آمد و گفته شد که او به برادرانش کمک می‌کند و از خوبی‌های او یاد شد پیامبر فرمودند: او از اهل آتش خواهد بود پس از آن، شخصی نزد پیامبر آمد و گفت قزمان به شهادت رسید پیامبر فرمود خدا هر کاری بخواهد انجام می‌دهد سپس دیگری نزد آن حضرت آمد و گفت او خودکشی کرد، پیامبر فرمود که من فرستاده خدایم (همان).

صاحب جواهر می‌نویسد: «خودکشی برای رهایی از فشار و رنج شدید ناشی از تشنگی و گرسنگی که ممکن است به مرگ انجامد جایز نیست» (نجفی، بی‌تا، ج ۱: ۵۱).

این نظریه که خودکشی در فرض فوق نوعی از اضطرار است صحیح نیست زیرا عمل ارتكابی متناسب با خطر موجود نیست. افرادی با استناد به قاعده فقهی «الناسُ مُسْلَطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ» در حرمت خودکشی دچار شک شده‌اند اما آنچه که با مطالعه کتاب‌های مختلف معتبر فقهی می‌توان دست یافت این است که این قاعده بدون «انفسهم» صحیح می‌باشد. همچنین برخی از فقها حرمت خودکشی را اجماعی دانسته‌اند که فقها و علما بر آن اتفاق دارند از جمله این افراد فقیه بزرگ علامه

نجفی است که در کتاب جواهر کلام در مسئله خوردن سمومی که باعث مرگ انسان می‌شود درباره ممنوعیت استفاده از آن‌ها نوشته است: «السموماتُ القاتلةُ قلیلها و کثیرها بلا خلاف و لا اشکال بل الاجماعُ بقسیمه علیه لِلنهی عن قتلِ النَّفسِ» خوردن کم یا زیاد، سم‌هایی که مرگ انسان را در پی دارد، حرام است و اجماع فقها بر آن است و تردیدی در آن نیست، زیرا عدم استفاده از این گونه سم-ها به خاطر نهی از خودکشی است (نجفی، بی‌تا: ۳۷۰).

هرچند در برخی از منابع فقهی اهل سنت، از عنوان انتحار برای این مبحث استفاده شده است اما بحث‌های مربوط به خودکشی اغلب در ادامه بحث قتل نفس مطرح شده است. برخلاف فقهای شیعه، فقهای اهل تسنن با تفصیل بیشتری به بررسی خودکشی پرداخته‌اند، در کتب فقهی اهل تسنن به اقسام خودکشی نیز اشاره شده است. از نظر فقهای اهل سنت خودکشی عملی حرام است و پس از شرک به خداوند از بزرگ‌ترین گناهان محسوب می‌شود آن‌ها نیز مانند فقهای شیعه آیات مربوط به خودکشی را ملاک قرار می‌دهند علاوه بر این به چند روایت نیز استناد می‌کنند، از جمله:

«کسی که خود را از کوه بیندازد و بدین وسیله خودکشی کند، داخل در آتش جهنم است و خود را به طوری، همیشه در آن می‌اندازد و در آن تا ابد جاودان است» (ابن نووی، بی‌تا، ج ۱: ۱۰۴). همچنین ممنوعیت و حرمت خودکشی در بین برخی از گروه‌ها مانند حنبلی‌ها به حدی است که جسد فردی که خودکشی کرده را غسل نمی‌دهند و بر آن نماز نمی‌خوانند و او را کافر می‌دانند (قدامه، بی-تا، ج ۲: ۴۱۸). آن‌ها در این باره به این حدیث استناد می‌کنند: «إِنَّ رَجُلًا قَتَلَ نَفْسَهُ بِمَشَاقِصٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَمَا أَنَا فَلَا أُصَلِّي عَلَيْهِ» مردی با نیزه خودش را کشت و رسول خدا (ص) فرمود: من بر او نماز نمی‌خوانم (شعب نسانی، ۱۳۴۸ ج ۴: ۶۶).

۸- واکاوی علل خودکشی با رویکرد حل آن

دلایل زیادی برای بروز خودکشی در سطوح مختلف اجتماعی، روان‌شناختی، زیستی و غیره توسط صاحب‌نظران ذکر شده که با حل این بحران‌ها می‌توان امید به کاهش این معضل برآمد.

۶-۱- عوامل اجتماعی و اقتصادی

- بدآموزی‌های و وسایل ارتباط جمعی با نمایش صحنه‌های خودکشی؛

- فقر فرهنگی و محرومیت از تربیت صحیح اخلاقی و فرهنگی و عدم تقویت بنیان‌های دینی در افراد؛

- یأس و ناامیدی نسبت به آینده و بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی کشور؛
- افزایش دامنه انحرافات اجتماعی و فقدان امنیت اجتماعی؛
- افزایش تظلمات، بی‌عدالتی‌های اجتماعی و شکاف طبقاتی؛
- عدم احقاق حقوق فردی، خانوادگی؛
- فقر مادی و مشکلات عدیده اقتصادی، نظیر تورم، بیکاری و ورشکستگی؛
- شهرنشینی و اضطراب‌های ناشی از آن (شایگان، ۱۳۸۶: ۸۷).

۶-۲- عوامل روانی

- افسردگی و دیگر آشفتگی‌های خلقیات مؤثر مانند آشفتگی دوقطبی (حالتی که علامت مشخص آن دوره‌های افسردگی و دوره‌هایی با حالت‌های خوش‌بینانه افراطی یا شیدایی است و هر کدام از این حالت‌ها ممکن است چند روز یا حتی چند ماه طول بکشد).

- اسکیزوفرنی

- اقدام‌های بی‌برنامه

- اضطراب و آشفتگی‌های شخصیتی و رفتاری

- احساس ناتوانی و ناچاری

- تاریخچه خودکشی خانوادگی و حالت ژنتیکی

- بیماری‌های صعب‌العلاج (افتخاری، کرمانچی و رفیعی‌فر، ۱۳۸۶: ۲۴۴).

طبق تحقیقات انجام گرفته ۹۰ درصد افرادی که خودکشی می‌کنند دچار نوعی بیماری روانی هستند بیشتر این افراد معمولاً در مورد افکار خودکشی با اطرافیان یا درمانگران خود صحبت می‌کنند در بین عوامل ذکر شده افسردگی از همه مهم‌تر است چون ۷۰-۶۰ درصد قربانیان خودکشی در زمان اقدام مبتلا به افسردگی هستند و خطر مرگ ناشی از خودکشی در طول زندگی برای بیماران دوقطبی ۲۰-۱۵ درصد و برای بیماران اسکیزوفرنیا ۱۰-۵ درصد است. علاوه بر عوامل مذکور علت‌های دیگری نیز می‌تواند در خودکشی تأثیرگذار باشد که می‌توان آن‌ها را چنین برشمرد:

سابقه اقدام به خودکشی، خودکشی در افرادی که اقدام‌های قبلی داشته‌اند بسیار بالاست ۵۰ درصد کسانی که خودکشی کرده‌اند حداقل یک‌بار اقدام به خودکشی داشته‌اند؛ الکلیسم و اعتیاد؛ انزوای اجتماعی؛ ضعف ایمان و اعتقادات دینی؛ گسیختگی در روابط صمیمانه شخصی؛ عدم صبر در برابر مشکلات؛ عوامل طبیعی مانند جنون و ترس از کیفر؛ آرزوهای برآورده نشده در زندگی؛ مشکلات زندگی صنعتی؛ مهاجرت و احساس غربت و تنهایی؛ فقدان اعتماد به نفس و رفتارهای پرخاشگرانه.

۹- راهکارهای پیشگیرانه با استناد به آیات قرآن

همانگونه که گفته شد علل و عوامل زیادی برای خودکشی بیان شده است و صاحب‌نظران مختلف نیز راهکارهای متفاوتی را با توجه به رشته علمی خود برای پیشگیری از آن بیان کرده‌اند، بنابراین ما نیز این راهکارها را با توجه به رشته مرتبط خود و از قرآن و با استناد به آیات بیان می‌کنیم از این رو راهکارهای زیر را برای کاهش یا پیشگیری از خودکشی می‌توان برشمرد:

۹-۱- تقویت ایمان و انس با قرآن

یکی از راهکارهایی که برای گذر از مشکلات وجود دارد تقویت ایمان و انس گرفتن با قرآن کریم است که باعث می‌شود که شخص امیدوار به آینده باقی مانده و به آرامش روانی و روحی برسد و در چالش‌های زندگی با دعا و راز و نیاز به خدا پناه برد چنان که در قرآن آمده: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ: پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم» (غافر/۶۰) به خاطر این که خداوند از رگ گردن به انسان نزدیکتر است «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ: و ما به او از رگ گردن نزدیک‌تریم» (ق/۱۶) و کسی که در اعتقادات مذهبی ضعیف است و در ایمان به خدا در مرتبه پایینی باشد زندگی پرفشار و سختی خواهد داشت همان‌گونه که در قرآن کریم آمده «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى: و هر کس از هدایت من (که سبب تحقق سعادت دنیا و آخرت است) روی بگرداند، برای او زندگی تنگ (و سختی) خواهد بود و روز قیامت او را نابینا محسوس می‌کنیم» (طه/۱۲۴).

در نتیجه با ایمان، زندگی برای ما راحت و آسان و تلخی‌های زندگی شیرین می‌شود و همچنین افراد مؤمن دارای آرامش و سکینه هستند مشکلات خود را با توکل به خدا حل می‌کنند و با یاد او

آرام می‌گیرند «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ: کسانی که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باشید! دل‌ها فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد» (رعد/۲۸) و با توسل و تمسک به قرآن کریم انسان به آرامش روحی و فکری می‌رسد و شخص بر اضطراب و افسردگی خویش غلبه می‌کند امام علی (ع) در این باره می‌فرماید «و قرآن را بیاموزید که بهترین گفتار است و آن را نیک بفهمید که بهار دلهاست از نور آن شفا و بهبودی خواهید که شفاى سينه‌هاى بیمار است» (دستی، ۱۳۷۹: ۲۱۱) در نتیجه مؤمنین با توسل به خدا و قرآن کریم به مبارزه با مشکلات و سختی‌ها برمی‌خیزند و به زندگی دنیوی و زر و زیور آن دل نمی‌بندند و با از دست دادن مقام دنیوی ناامید نمی‌شوند «لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ: (با یقین به این که هر آسیبی و هر عطا و منعی فقط به اراده خداست و شما را در آن اختیاری نیست) بر آنچه از دست شما رفت، تأسف نخورید و بر آنچه به شما عطا کرده است شادمان نشوید» (حدید/۲۳) و خداوند مصلحت بندگان خود را بهتر می‌داند «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا: و از دانش جز اندکی به شما نداده‌اند» (اسراء/۸۵) پس علم اندک ما که حتی به اندازه قطره‌ای از دریای علم الهی نیست چگونه می‌تواند حقایق را دریابد و بنا به وعده پروردگار برای افراد باایمان اجری بزرگ است «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: مسلماً کسانی که (به ظاهر) ایمان آوردند و یهودی‌ها و نصرانی‌ها و صابئی‌ها هر کدامشان (از روی حقیقت) به خدا و روز قیامت ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته است، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین شوند» (بقره/۶۲).

۹-۲- صبر و امیدواری

یکی دیگر از دلایل اصلی خودکشی نداشتن صبر و امیدواری در مواجهه با مشکلات است چه بسا انسان در این دنیا دچار مصیبت‌ها و بیماری‌های صعب‌العلاج مانند انواع سرطان‌ها گردد و نباید ناامید شود و با علم اندک خود به قضاوت پردازد چون بسیاری از این‌ها برای انسان نعمت است در قرآن کریم آمده «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: و بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما خیر است و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما زیان دارد؛ و خدا (مصلحت شما را در همه امور) می‌داند و شما نمی‌دانید» (بقره/۲۱۶).

خداوند با این مصیبت‌ها می‌خواهد ما را آزمایش کند «وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً: و ما شما را (چنان‌که سزاوار است) به خیر و شر (که تهیدستی و ثروت، سلامت و بیماری، امنیت و بلاست) آزمایش می‌کنیم» (انبیاء/۳۵) پس بهتر است به جای ناامید شدن و درنهایت دست زدن به اعمال زشتی نظیر خودکشی صبر کرد و از رحمت خدا مأیوس نشد «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ: و از رحمت خدا مأیوس نباشید؛ زیرا جز مردم کافر از رحمت خدا مأیوس نمی‌شوند» (یوسف/۸۷). گاهی صبر در برابر مصیبت‌ها و سختی‌ها است نظیر مرگ نزدیکان و فقر مالی «وَلَتَبْلُوكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: و بی‌تردید شما را به چیزی اندک از ترس و گرسنگی و کاهش بخشی از اموال و محصولات (نباتی یا ثمرات باغ زندگی از زن و فرزند) آزمایش می‌کنیم و صبرکنندگان را بشارت ده همان کسانی که چون مصیبتی سخت به آنان رسد می‌گویند: ما مملوک خدایم و یقیناً به‌سوی او بازمی‌گردیم» (بقره/۱۵۶-۱۵۵)؛ و گاهی در برابر گناهان است «إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ: مگر کسانی که (در خوشی‌ها و آسیب‌ها) شکیبایی ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند، اینانند که برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است» (هود/۱۱) بنابراین انسان با شکیبایی و صبر سعادت اخروی را برای خود به دست می‌آورد و برای انسان چه چیزی بهتر از این که به قرب الهی برسد. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که پاداش صابران در آن آمده است «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ: سلام بر شما به پاس استقامتی که (در برابر عبادت، معصیت و مصیبت داشتید) قطعاً فرجام این سرا نیکوست» (رعد/۲۴) و «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا: و آنان که (در برابر تکالیف دینی و حوادث روزگار) شکیبایی ورزیدند، بهشتی (عنبرسرخ) و لباسی ابریشمین پاداش می‌دهد» (انسان/۱۲) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: ای اهل ایمان! (در برابر حوادث) شکیبایی کنید و دیگران را هم به شکیبایی وادارید و با یکدیگر (چه در حال آسایش چه در بلا و گرفتاری) پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا (بر موانع راه سعادت) پیروز شوید» (آل عمران/۲۰۰). از این‌رو شکیبایی در برابر مشکلات از اعمالی است که بارها در قرآن بر آن تأکید شده و پاداش آن نیز سعادت ابدی است.

۹-۳- توکل

توکل بر خدا یعنی این که انسان با تکیه بر دریای بی‌کران قدرت الهی در مواجهه با مشکلات بردباری کند. توکل از کلماتی است که بارها در قرآن آمده و خداوند انسان متوکلی را که به خدا توکل کند دوست می‌دارد «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد» (آل عمران/۱۵۹). همچنین خداوند در راه پریبج و خم و سختی‌های زندگی برای مؤمن کافی است «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» و کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش بس است، یقیناً خدا فرمان و خواسته‌اش را (به هر کس که بخواهد) می‌رساند» (طلاق/۳) و او بهترین و کیل است و در این زمینه کسی بالاتر از او نیست «وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» و گفتند: خدا ما را بس است و او نیکو کارگزاری است» (آل عمران/۱۷۳).

پس کسی که به خدا توکل کند همیشه آرام است و مضطرب نمی‌شود و در مواجهه با مشکلات احساس ضعف نمی‌کند چون قدرت لایتناهی الهی را در کنار خود می‌بیند. علی (ع) در این باره می‌فرماید «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ» کسی که بر خدا توکل کند، امور سخت و دشوار رام او می‌گردد و اسباب امور برای او سهل و آسان می‌شود» (ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۳: ۴۵۷). همچنین پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ كَفَاهُ مَوْتَهُ وَرِزْقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» کسی که به خدا توکل کند خداوند رزق و روزی او را کفایت می‌کند از آنجایی که فکر نمی‌کند» (همان: ۴۶۰). بله، افراد با ایمان باید بر خدا توکل کنند زیرا مبدأ و مقصد امور در ید قدرت اوست بنابراین انسان با توکل به خدا در مواجهه با هر رنج و سختی پیروز است.

۹-۴- خودشناسی

اکثر خودکشی‌هایی که در طول تاریخ اتفاق افتاده ناشی از آن بوده است که فردی که خود را از بین برده دچار نوعی سرگردانی احساس بوده‌اند و برای آن که از این تحیر و سردرگمی رهایی یابند خویشتن را اسیر مرگ کرده‌اند. به فرموده علی (ع) چگونه کسی که خود را نشناخته سردرگم آن است تا پدیده‌های دیگر را بشناسد. آن‌جا که می‌فرمایند: «در شگفتم از کسی که به دنبال گم‌شده خود می‌گردد با این که خود را گم کرده و در جستجوی آن نیست» (آمدی، ۱۳۸۹: ۲۲).

زمانی انسان خود را گم کرد و در جستجو خود برنیامد برای آن که به مقدار خویش آگاه نیست خویشتن را به کام مرگ می‌افکند. پس یکی از راهکارهایی که با آن می‌توان با اختلال خودکشی مقابله کرد، خودشناسی است که خود مقدمه خداشناسی است و در معارف اسلامی یکی از بارزش-ترین معرفت‌هاست چنان که علی (ع) نیز می‌فرماید: «برترین خرد و دانایی آن است که انسان نفس خویش را بشناسد که هرکس نفس خود را شناخت دانا شد و هرکس آن را شناخت گمراه گردید» (آمدی، ۱۳۸۹: ۵۱۳). کدام گمراهی بالاتر از آن که آدمی خود را به دلیل شناختن قدر و منزلت خویش بیازد و دست به خودکشی بزند. از نظر نگارندگان هیچ عاملی بسان نادانی از خویشتن نمی‌توان در مسئله خودکشی مؤثر افتد.

۹-۵- آخرت‌گرایی

مسئله دیگری که بایستی مورد توجه قرار داد این است که جهان هستی و به تبع آن آدمی بیهوده آفریده نشده است که کارهای مخلوقات خدا و بیشتر از همه انسان بی حساب و کتاب باشد. وجود چنین فکری است که باعث شکل‌گیری مکتب بی‌اساس نهیلیسم شده و اکثر پیروان آن خود را نابود کرده‌اند. مؤمن کسی است که با بیان این آیه برای خویش هدفی گزیند و خویشتن را سرگردان نپندارد. آیه‌ای که می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ: همانان که خدا را (در همه احوال) ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (که): پروردگارا، این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای؛ منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار» (آل عمران/۱۹۱)؛ و همچنین «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ: آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و این که شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید» (مؤمنون/۱۱۵).

انسان موحدی که دارای ایمان به خداست، همین ایمان به زندگی او معنا و هدف می‌بخشد که حاضر نمی‌گردد دنیا و آخرت خویش را به اندیشه‌های واهی فدا کند. این گفته زمانی محقق می‌شود که آدمی با اکسیرهایی چند وجود خود را روئین‌تن سازد. اکسیرهایی که او را از گرفتارهایی مادی و واهی نجات می‌دهد و شفابخش روح و جسم می‌گردند که دیگر فکر خودکشی به ذهنش خطور نمی‌کند. از جمله این اکسیرها عبارتند از: خودشناسی، ایمان به خدا، صبر و امیدواری، توکل و توجه

به آخرت و دنیای عقی. پس تنها فردی می‌تواند در مقابل هر درد و رنجی استقامت کند و از پدیده شوم خودکشی مصون ماند که روئین‌تن این اکسیرها باشد.

۱۰- نتایج و پیشنهادها

اقدام آگاهانه برای پایان دادن به عمر خویش را خودکشی می‌گویند که علل و عوامل مختلفی در سطوح مختلف فردی، اجتماعی، روانشناختی و زیستی در آن تأثیرگذار است، از این‌رو مشکلات روحی و روانی، افسردگی، ناامیدی، احساس پوچی، ضعف اعتقادات مذهبی و ... به نوعی می‌تواند باعث خودکشی شوند. در اسلام خودکشی از نظر آیات و روایات معصومین علیهم‌السلام از جمله گناهان کبیره محسوب می‌شود آن‌ها خودکشی را عملی دانسته‌اند که عذاب اخروی را در بردارد و باعث می‌شود که قربانی در جهنم مخلد گردد چون مالک حقیقی انسان خداوند است و خودکشی نوعی سرپیچی از حکم اوست. خداوند تعالی درباره قتل فرموده‌اند: قتل یک انسان برابر با قتل تمام بشریت است و همچنین پیامبر اکرم (ص) بر جنازه کسی که خودکشی کرده بود نماز نخواند؛ بنابراین بر اساس آیات قرآنی مرگ و زندگی انسان‌ها در دست خداست و ارزش‌های انسانی والاتر از این است که دست به نابودی خود بزند به خاطر این که انسان خلق شده تا به سعادت ابدی برسد نه این که خود را در آتش جهنم جاودانه سازد از این‌رو قرآن کریم راهکارهای مختلفی را برای رهایی از مصائب زندگی و در نتیجه خودکشی برشمرده از جمله این که او می‌تواند با تقویت ایمان به آرامش روحی و روانی برسد و بداند که انسان بی‌هدف خلق نشده و او خلیفه الهی بر روی زمین است و دریابد که این جهان مادی سرانجام پایان می‌پذیرد و سرای ابدی انتظار او را می‌کشد اما سرنوشت خوب بودن یا بد بودن او در آخرت بستگی به اعمال او در این جهان دارد و همچنین با صبر و امیدواری در برابر مشکلات به خدا توکل کند تا موفق شود البته فهم و درک موارد ذکرشده تنها از طرق زیر امکان‌پذیر است:

قرار دادن دروسی در برنامه درسی مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها مانند آشنا کردن دانش‌آموز و دانشجو با کیفیتهای اخروی برخی از اعمال در قرآن به‌جای پرداختن صرف به مباحث اعتقادی؛ ایجاد برنامه‌هایی برای آموزش عمومی در مورد خودکشی؛ تهیه بروشورها و کتابچه‌های کوچک برای آشنایی عمومی درباره خودکشی؛ ایجاد روحیه مذهبی در افراد و ...

منابع

- قرآن حکیم.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۹). *غررالحکم و دررالکلم*. ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- آذر، ماهیار؛ نوحی، سیما و شفیعی کندجانی، علیرضا (۱۳۸۹). *خودکشی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات ارجمند.
- احدی، حسن و جمهری، فرهاد (۱۳۷۲). *روانشناسی رشد نوجوانی و جوانی*. تهران: انتشارات بنیاد ابن نووی (بی تا). *صحیح مسلم*. قاهره: انتشارات المصریه.
- اختری، عبدالله (۱۳۷۶). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خودکشی در شهرستان نقده*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی.
- اسلامی نسب، علی (۱۳۷۱). *بحران خودکشی*. تهران: نشر فردوس.
- اسلامی تبار، محمدرضا و الهی منش، شهریار (۱۳۸۶). *مسائل اخلاقی و حقوقی در قتل ترحم آمیز (اتانازی)*. تهران: انتشارات مجد.
- افتخاری، مامک؛ کرمانچی، جمشید و رفیعی فر، شهرام (۱۳۸۶). *گزارش جهانی خشونت و سلامت*. تهران: انتشارات تندیس.
- پاد، ابراهیم (۱۳۸۱). *حقوق کیفری اختصاصی جرائم بر ضد اشخاص*. جلد ۱، چاپ اول، (بی جا) رهام.
- تقوی، نعمت الله (۱۳۸۶). *بررسی عوامل مؤثر در خودکشی در استان آذربایجان غربی، مجموعه مقالات آسیب های اجتماعی ایران*، نشر انجمن جامعه شناسی ایران، تهران
- حرعاملی، محمد (۱۴۱۲ ق). *وسائل الشیعه*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- حقانی پور، فرنوش و پیری، ولی (۱۳۸۹). *اپیدمیولوژی توصیف خودکشی*. تهران: جامعه شناسان.
- دارمی، عبدالله بن بهرام (بی تا). *سنن دارمی*. دمشق: نشر دارالاحیاء السنه النبویه.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). *نهج البلاغه*. چاپ ششم، تهران: مشرقین.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۷). *لغت نامه*. زیر نظر محمد معین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رحمتی، زینب (۱۳۸۱). *علل و انگیزه خودکشی در تهران*. تهران: روزنامه انتخاب.

- ری شهری، محمد (۱۳۸۶). *میزان الحکمه*، ترجمه حمید رضا شیخی، جلد ۹ و ۱۳، چاپ هفتم، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸). *خودکشی*. ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۲). *خودکشی زنان (جرمی خاموش علیه زنان)*. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۵-۱.
- صالح‌ولیدی، محمد (۱۳۷۴). *حقوق جزای اختصاصی*. تهران: سپهر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۱). *مجمع‌البیان*. ترجمه هاشم‌رسولی محلاتی، تهران: انتشارات فراهانی.
- فولادی، عزت‌الله (۱۳۸۱). *استراتژی‌ها و برنامه‌های پیشگیری از خودکشی با تمرکز بر نوجوانان و جوانان*. چاپ اول، تهران: فجر اندیشه.
- کرمی، غلامرضا؛ امیری، ماندانا؛ عاملی، جواد؛ قدوسی، کاظم؛ سعادت، علیرضا؛ سجادی، محمد و نوحی، سیما (۱۳۸۴). *بررسی اقدام به خودکشی در بیماران بستری شده در بخش اعصاب و روان بیمارستان بقیه‌الله، طب نظامی، شماره ۷، ۳۱۲-۳۰۵*.
- متقی‌هندی (۱۴۰۵ ق). *کنز العمال*. بیروت: مؤسسه الرسول.
- مارکس، کارل (۱۳۸۷). *مارکس و خودکشی*. ترجمه حسن مرتضوی، چاپ دوم، (بی‌جا) گام‌نو. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۹). *فقه پزشکی*. چاپ اول، تهران: انتشارات حقوقی.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۰). *قواعد فقه بخش جزایی*. چاپ هجدهم، تهران: نشر علوم اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *عدل الهی*. تهران: چاپ صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۰). *تفسیر نمونه*. قم: دارالکتاب الاسلامیه.
- نجفی، محمد (بی‌تا). *جواهر الکلام*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- نسائی، احمد بن علی شعیب (۱۳۴۸). *سنن النسائی*. جلد ۴، الطبعة الاولى، بیروت: دارالفکر.
- نوری، حسین (۱۴۰۷ ق). *مستدرک الوسائل*. قم: انتشارات مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.